

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۶۴

جمعه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۱۸ مه ۲۰۱۸

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

بازتاب هفته

* محکومین مواد مخدر و "عدل" اسلامی - حسن صالحی

* دختران شین آباد به آمریکا اعزام میشوند - کاظم نیکخواه

* کودک آزاری گسترده در جمهوری اسلامی - هوشیار سروش

صفحه ۸

پرسش

کارگران و ارزش اضافه - کاظم نیکخواه

صفحه ۱۰

کشتار فجیع مردم فلسطین را

محکوم میکنیم!

صفحه ۴

کارگران هپکو

دور جدید اعتراضات خود را

شروع کرده اند

صفحه ۲

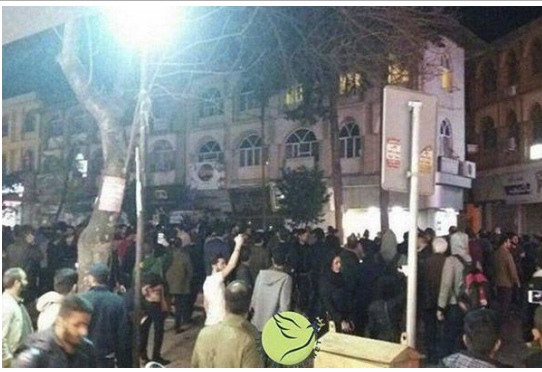
دعوت به میتینگ در مقابل

ساختمان دوویچه وله در شهر بن

صفحه ۹

جمهوری اسلامی علیرغم جنایت در کازرون عقب نشینی کرد

صفحه ۲



کازرون به خون کشیده شد!

صفحه ۲

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

صفحه ۳

قطعنامه مصوب پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب:

جنبش انقلابی جاری و جایگاه حزب

صفحه ۴

انتخابات عراق

سمیر نوری

حکومت عراق است که با احتساب
جعل آراء، تقلب، تهديد، خرید آراء
و وعده و وعید های دروغین، باید
با تردید و ملاحظه در نظر گرفته
شود.

اولین نتیجه این انتخابات این
است که اکثریت بزرگی از مردم با
عدم شرکت در انتخابات به دستگاه

صفحه ۵

صرف بودجه هنگفت و شرکت
۳۲۰ حزب و سازمان و گروه،
مشارکت رای دهندگان به ۴۴
درصد افراد واجد شرایط رسید. تازه
این آمار بر اساس منابع رسمی

بیش از شش ماه تدارک، برگذاری
کمپین های انتخاباتی، تبلیغات
گسترده و بکارگیری تلویزیون،
رادیو، روزنامه و مدیای اجتماعی و
برگزاری صدها تجمع و گردهمایی و

قاچاق کله پاچه به ایران!

کاظم نیکخواه

صفحه ۹



رامین حسین پناهی
را می خواهند
اعدام کنند،
کمک کنیم
نجاتش دهیم!

صفحه ۵

تمام آمرین و عاملین
جنایات جمهوری اسلامی
در چند دهه گذشته
باید دستگیر و علناً
محاكمه شوند!

کلیه نیروهای
سرکوبگر
جمهوری اسلامی
باید فوراً منحل شوند.

جمهوری اسلامی علیرغم جنایت در کازرون عقب نشینی کرد

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت شهر کازرون شاهد اعتراض گسترده مردم این شهر علیه جمهوری اسلامی بود. جنایتکاران اسلامی در روز چهارشنبه اعتراض مردم را به خون کشیدند. ارگان های سرکوبگر با گاز اشک آور، تفنگ ساچمه ای و با شلیک مستقیم به مردم حمله کردند و تعدادی را به قتل رسانده، دهها نفر از زنان و جوانان معترض را مجروح و تعداد زیادی را دستگیر کردند. سران حکومت اسلامی با این آدمکشی، پرونده سرپا جنایت خود را سیاه تر کردند.

اعتراض مردم کازرون از طرح تقسیم شهر شروع شده اما به اعتراض به کلیت حکومت تبدیل شده است. مردم از فقر و گرانی و بیکاری، از نابرابری و تبعیض و فساد، از ستم و سرکوب و بیحقوقی و از کل حکومت و قوانین قرون وسطایی و اسلامی اش به تنگ آمده و هر موضوعی را بهانه میکنند که خشم و نفرت خود علیه حکومت را به نمایش بگذارند. اعتراض مردم کازرون به هر بهانه ای شروع شده باشد بخشی از اعتراض حق طلبانه ای است که در سراسر کشور جریان دارد و وسیعتر و عمیق تر میشود.

مردم کازرون جانانه به مقابله با سرکوبگران برخاستند و با سنگ به اوپاش حکومت حمله کردند و تعدادی از آنها را مجروح کردند، کلاتری شهر را به آتش کشیدند و علیه مقامات حکومت، امام جمعه و صدا و سیما منفور حکومت شعار دادند. خانواده های دستگیر شدگان با همراهی مردم در مقابل ارگان های سرکوب تجمع کردند و خواهان آزادی عزیزان خود شدند.

علیرغم سرکوب گسترده در روز چهارشنبه و وارد کردن نیروهای کمکی سرکوب از شهرهای اطراف، روز پنجشنبه نیز مردم کازرون شجاعانه به خیابان آمدند،

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۱۷ مه ۲۰۱۸

کازرون به خون کشیده شد!

ایران در دنیا. روز تعیین تکلیف نهایی با حکومت گلوله و اعدام دارد نزدیک میشود، باید پیاخاست و متحدانه حکومت جنایت اسلامی را سرنگون کرد!

مینا احدی سخنگوی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۱۷ مه ۲۰۱۸

حکومت اسلامی ایران که آخرین نفس هایش را میکشد، حکومتی که بر دریای نفرت مردم نشست است، در مقابل تظاهرات مردم کازرون، با وقاحت و بیشرمی روی مردم معترض آتش گشود و چند نفر را کشت و تعدادی را زخمی کرد.

به این جنایت حکومت اسلامی باید اعتراض کرد، نه فقط در کازرون و استان فارس، بلکه در همه جای

کارگران هپکو دور جدید اعتراضات خود را شروع کرده اند

شده، فعالیت شرکت متوقف شده و ناامنی شغلی و بیکاری کارگران را تهدید میکند. ۱۴۰۰ نفر از ۲۲۰۰ کارگر این شرکت در طی سالهای اخیر کارشان را از دست داده اند.

کارگران مبارز هپکو تجربه شما در سال ۷۵ نشان داد که موقعی که متحد و یکپارچه همراه با اعضای خانواده های خود در خیابانهای مرکزی شهر راهپیمایی کرده و توجه و همبستگی مردم شهر را به مبارزه خود جلب کردید، مقامات و مدیران شرکت کوتاه آمدند و بلافاصله بخشی از حقوق های معوقه شما را پرداخت کردند. اکنون بویژه موقعیت شما به جایی رسیده که تنها با بسیج کل نیروی خود، با همراه شدن فعالان همسران شما، با راهپیمایی و تحصن در مرکز شهر و جلب همبستگی مردم به جان آمده میتوانید خواست های خود را به کرسی بنشانید. در شرایطی که اکثر قریب به اتفاق مردم در خشم و اعتراض به سر میبرند، شما میتوانید و این توان را دارید که مفتخوران را تسلیم خواست های خود کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۱۶ مه ۲۰۱۸

کارگران ماشین سازی هپکو در اراک بار دیگر اعتراضات خود را از سر گرفتند و امروز چهارمین روز است که دست به تجمع زده و راه آهن شمال- جنوب را بسته اند.

روز ۲۳ اردیبهشت یکی از کارگران هپکو تحت فشار شرایط غیر قابل تحمل زندگی دست به خودکشی زد که خوشبختانه به کمک همکارانش از مرگ نجات یافت. این اتفاق بار دیگر شعله خشم کارگران را برافروخته کرد. کارگران با شعار "امنیت پوشالی، مسئولین توخالی"، فریادشان را بلند کردند و دور دیگری از تجمعات اعتراضی خود را شروع کردند. روز ۲۴ اردیبهشت کارگران به تجمع ادامه دادند و با نصب بنری بر روی ریل راه آهن، این مسیر را برای ساعاتی مسدود کردند. بر بنر کارگران نوشته بود ورود کارفرمایی که ۶۰۰ کارگر را اخراج کرده ممنوع! کارگران هپکو در روز ۲۵ اردیبهشت، حدود ۸۰۰ کارگر هپکو در حالیکه همسرانشان نیز آنها را همراهی میکردند به تجمع اعتراضی ادامه دادند. در چهارمین روز اعتراض در روز ۲۶ اردیبهشت، کارگران با برپا کردن چادری بر روی ریل راه آهن، مسیر شمال جنوب را بستند و اعلام کردند تا وقتی پاسخ نگیرند از روی ریل کنار نخواهند رفت.

دستمزدهای چند ماه کارگران هپکو بالا کشیده



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱۱ و ۱۲ مه ۲۰۱۸ (۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷) با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و یاد منصور حکمت عزیز شروع شد و بعد از دو روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد.

در این پلنوم قطعنامه ای درمورد جنبش انقلابی جاری و جایگاه حزب و قرارهای متعددی درمورد تلویزیون کانال جدید، جمع آوری کمک مالی، فعالیت بین المللی حزب و برخی مسائل تشکیلاتی به تصویب رسید. چند قرار دیگر نیز به پلنوم ارائه شده بود که بدلیل ضیق وقت به دفتر سیاسی حزب محول شد.

حمید تقوایی لیبر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود با اشاره به خیزش دیمه بعنوان نقطه عطفی که انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را به مساله روز و محوری جامعه تبدیل کرده است، گفت دو افق و آلترناتیو راست و چپ در برابر جامعه قرار گرفته است. او تصویری از سیر تحولات چپ و راست در تاریخ معاصر ایران، از انقلاب مشروطه تا امروز، بدست داد و گفت در تمام این دوره اسلامیت و ایرانیت و یا ملقمه ای از هر دو به فضای سیاسی ایران و حکومتها شکل داده است. او گفت مشخصا بعد از کودتای ۲۸ مرداد یک نوع ضد

آمریکائی گری و غرب ستیزی ناسیونالیستی و صنعتی گرا بر فضای سیاسی اپوزیسیون از چپ و راست حاکم شده بود که با بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی این دوره پایان رسید. او تاکید کرد در این شرایط چپ انقلابی باید در برابر حکومت اسلامی سرمایه و در برابر اپوزیسیون راست آن که گذشته را بجای آینده به مردم وعده میدهد و عملا راهی بجز نشانیدن ایرانیت بجای اسلامیت و اعمال ریاضت کشی اقتصادی و بیحقوقی و محرومیت اینبار در لوی دفاع از مقدسات ملی - میهنی نخواهد داشت، نماینده مدرنیسم و تمدن و ارزشهای انسانی جهانشمولی باشد که تنها با نفی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم قابل تحقق است. باید انسانیت را در برابر ایرانیت و اسلامیت قرار داد و امروز انسانیت زمانه ما چیزی بجز سوسیالیسم نیست. او در خاتمه سخنانش گفت برخلاف انقلاب ۵۷ و انقلابهای موسوم به بهار عرب که اساسا بخاطر غیاب یک نیروی کمونیست انقلابی به شکست کشیده شدند در ایران امروز نیروی رهبری کننده انقلاب وجود دارد و آن نیرو باعتبار برنامه و سیاستها و کارنامه عملی اش حزب کمونیست کارگری است.

در مبحث گزارش که توسط اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب ارائه شد، فعالیت حزب در داخل و خارج کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اصغر کریمی در گزارش نسبتا مسوط خود، به اوضاع سیاسی جامعه و مبارزات مردم که بویژه در دیمه به یک خیزش انقلابی منجر شد، به گسترش و تعمیق مبارزات مردم و بویژه جنبش کارگری بعنوان ستون فقرات مبارزه علیه جمهوری اسلامی و اقلیت حاکم و دخالت روزمره و از نزدیک حزب در جنبش ها و اعتراضات مختلف اشاره کرد و تاکید کرد که به جرات میتوان گفت در همه این عرصه ها حزب

مورد بررسی قرار داد و تهیه متن نهایی بیانیه و یا پلاتفرم سیاسی - تشکیلاتی کمیته را به هیئت اجرایی کمیته کردستان سپرد.

در مبحث انتخابات حمید تقوایی به اتفاق آرا بعنوان لیبر حزب انتخاب شد و سپس ۲۶ نفر بعنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند: که عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، محمود احمدی، عبه اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، علی جوادی، شهلا دانشفر، نسرین رمضانعلی، بهرام سروش، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزاد، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، شیوا محبوبی، نسان نودینیان، سمیر نوری و کاظم نیکخواه. پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان رسید.

در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد، مصطفی صابر به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۷،
۱۶ مه ۲۰۱۸

و اقدامات لیبر و هیات اجرایی حزب همگام و هم جهت بوده و آنها را مورد تایید قرار داده است. وی بویژه بر سند پلاتفرم رهبری در اوضاع انقلابی و ضرورت توجه بیشتر حزب به آن تاکید گذاشت.

در جوار پلنوم جلسه شورای مرکزی کادرهای تشکیلات کردستان حزب با شرکت تعدادی از کادرها و اعضای رهبری حزب برگزار شد. محمد آسنگران گزارشی از فعالیتهای کمیته کردستان در چند سال گذشته و شرایط سیاسی در کردستان ایران، عراق، سوریه و ترکیه، نقش احزاب و دولتها، جایگاه ناسیونالیسم کرد و اسلام سیاسی و موقعیت چپ و کمونیسم و موقعیت حزب در کردستان ارائه داد. سپس نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان، به فعالیتهای این کمیته در ماههای اخیر بویژه درمورد اعتصابات اخیر در شهرهای کردستان و اعتراضات کارگران و جوانان بیکار پرداخت و به نقشه عمل کمیته کردستان در شهرها در جهت سازماندهی کادرها و اعضای حزب اشاره کرد. دیگر اعضای کمیته کردستان نیز نقاط قوت و ضعف فعالیت تشکیلات کردستان حزب را مورد بحث قرار دادند.

شورای کادرهای کمیته کردستان بیانیه اوضاع سیاسی که توسط محمد آسنگران معرفی شد را

پیشروی کرده و از جایگاه مستحکم تری برای تداوم فعالیت خود برخوردار شده است. روی آوری به حزب گسترش یافته و ارتباط با حزب سیری صعودی طی کرده و زمینه های بسیار مساعدی برای گسترش سازمان حزب در داخل کشور فراهم شده است. صحت تحلیل های حزب و متدولوژی درست حزب در برخورد به خیزش انقلابی بر اساس بحث سلبی و اهمیت حیاتی این رویکرد و عکس العمل سریع نسبت به وقایع سیاسی مبارزاتی نیز از نکات دیگر این گزارش بود. در این گزارش همچنین بر ضرورت آمادگی بسیار بیشتر حزب برای دخالت در تحولات تعیین کننده ای که در حال وقوع است و ضرورت تحرك بیشتر حزب و بویژه رهبری حزب تاکید شد. مسئولین شاخه های مختلف فعالیت حزب نیز در تکمیل گزارش صحبت کردند و بر نکات گرهی در عرصه فعالیت خود انگشت گذاشتند. حاضرین در پلنوم فعالانه در این مبحث دخالت کردند و تاکیدات و توصیه های خود را مورد بحث قرار دادند.

در بخش گزارش دفتر سیاسی مصطفی صابر به اطلاع رساند که در فاصله دو پلنوم و بویژه دوره پر شور بعد از خیزش دیمه دفتر سیاسی با سیاست ها

کشتار فجیع مردم فلسطین را محکوم میکنیم!

پای اصلی این کشاکش خونین و ضد انسانی است و از آن تغذیه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی با انقلاب مردم ایران و برپایی یک جامعه و دولت انسانی در ایران میتواند به بحران فلسطین نیز به طریقی انسانی پایان دهد و باعث شود که جبهه راست و فاشیستی مقابل نیز موضوعیت و پایه وجودی خود را از دست بدهد و از صحنه سیاست منطقه خارج شود.

بشریت متملن باید بدون هیچ تردیدی کشتار مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل را محکوم کند و در عین حال فعالانه علیه ارتجاع اسلامی که کینه و نفرت قومی و مذهبی علیه مردم اسرائیل را دامن میزند و مردم غیر نظامی را هدف کشتار و ترور خویش قرار میدهد، به میدان بیاید. دفاع از مردم فلسطین جز با دفاع از حقوق انسانی هم مردم فلسطین و هم مردم اسرائیل ممکن نیست. اعمال فشار همه جانبه بشریت آزادیخواه بر دولت های اسرائیل و آمریکا و وادار کردن این جریانات در برسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی عامل مهمی در کاهش تنش در منطقه و سرکوب هرروزه مردم فلسطین است! قلب ما با مردم زخم خورده و بازماندگان این قتل عام هولناک است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷،
۱۵ مه ۲۰۱۸

تازه ای در جهت تشدید تنش در منطقه، همدستی آشکار با تنیاهو و دولت اسرائیل در کشتار مردم فلسطین و عامل مهمی در عقب راندن حق مردم فلسطین به داشتن یک کشور مستقل و متساوی الحقوق است و باید از جانب همه مردم دنیا محکوم شود. برخلاف آنچه بنظر میرسد اساس مساله فلسطین به کشاکش مذهبی میان مردم مسلمان و یهودی مربوط نمیشود. بلکه اساس مساله به کشاکش دولتها و قدرتهای ارتجاعی سرمایه داری در منطقه و در دنیا مربوط میشود و این دولتها و این قدرتها هستند که با دامن زدن به نفرت و کینه مذهبی امر و سیاست خویش را به پیش میبرند. مردم متملن دنیا بارها اعلام کرده اند که راه حل مساله فلسطین در قدم اول ایجاد دو دولت مستقل فلسطین و اسرائیل در کنار یکدیگر است. یک جبهه وسیع و انسانی در فلسطین و در اسرائیل از همزیستی میان مردم فلسطین و اسرائیل حمایت میکنند و بارها اعلام کرده اند که از جنگ و کشتار و کینه و نفرت قومی و مذهبی خسته شده اند و از این کشاکش بیزارند. راه حل مساله فلسطین دقیقاً همینجاست.

مساله فلسطین تنها به فلسطین محدود نمیشود. این مساله در عین حال به تقویت ارتجاع اسلامی در دنیا کمک کرده و به آن خوراک میدهد. جمهوری اسلامی و کل ارتجاع اسلامی یک

در روز گذشته بار دیگر شاهد موج قتل عام فجیع مردم فلسطین توسط ارتش و پلیس تا دندان مسلح اسرائیل بودیم. ارتش اسرائیل دیروز ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) بیرحمانه به تظاهرات فلسطینیان در منطقه غزه در اعتراض به گشایش سفارت آمریکا در اورشلیم یورش برد و شروع به شلیک کرد. بنا به گزارشها حدود ۳۰۰۰ نفر زخمی شده و ۶۰ نفر کشته شده اند. این یک جنایت آشکار علیه بشریت است و باید توسط همه مردم دنیا محکوم شود. متأسفانه حضور و دخالت جریانات اسلامی در منطقه باعث میشود که بسیاری از مردم نسبت به رنج مردم فلسطین بی توجه باشند و بسیاری تصور میکنند که فقط تروریسم اسلامی عامل ایجاد فضای تنش و کشاکش و کشتار در این منطقه است.

مساله فلسطین حدود یک قرن است که به زخمی بر پیشانی بشریت تبدیل شده است. حدود سه میلیون نفر فلسطینی در این دنیا نه کشور و نه کاشانه ای دارند و در یک باریکه کوچک مدام مورد هجوم ارتش و پلیس جنایتکار اسرائیل قرار میگیرند و از زمین و هوا گلوله باران میشوند. از سوی دیگر جریانات و نیروهای ارتجاعی و تروریست اسلامی از این جنگ و جنایت مداوم برای سربازگیری و تبلیغ حقانیت خویش در میان مردم استفاده میکنند. انتقال سفارت آمریکا به اورشلیم که به تصمیم ترامپ صورت گرفت، گام

قطعنامه مصوب پلنوم ۴۸ کمیته مرکزی حزب:

جنبش انقلابی جاری و جایگاه حزب

۱- خیزش دیمه، با اعتراضات سرنگونی طلبانه توده مردم در بیش از نود شهر، نقطه عطفی در شرایط سیاسی و سראغاز جنبش عظیمی بود که جمهوری اسلامی را به سراشیب سقوط رانده است. این جنبش توده مردم را در یک موقعیت تعرضی و حکومت را از هر نظر در تنگنا و بن بست قرار داده است. اکنون آشکارا سرنگونی و انقلاب به گفتمان اصلی جامعه، حتی در میان حکومتی ها، تبدیل شده است.

۲- جنبش وسیع کارگری که خود فاکتور مهمی در ایجاد زمینه های بر آمد جنبش سرنگونی طلبانه جاری و ایجاد فضای تعرضی در میان مردم علیه حکومت است، بدنبال خیزش دی ماه بیش از پیش رادیکالیزه و گسترده شده است. بیانیه ها و سخنرانی ها و شعارهای ضد سرمایه داری، تظاهرات خیابانی و تجمع در مراکز شهرها، اعتراضات سراسری، شکلگیری جنبش حداقل دستمزد ۵ میلیون، دست زدن به عمل مستقیم در برخی از مراکز کارگری از جمله اشکال نوین جنبش کارگری است.

۳- گسترش و تعمیق اعتراضات کارگری، مضمون مطالبات و شعارهای مطرح شده در اعتراضات مردم، و اشکال نوین اعتراضی نظیر حرکت دختران خیابان انقلاب، نشاندن عمق جنبش سرنگونی و فضا و جو چپ و رادیکال در جامعه است.

۴- جریانات اپوزیسیون راست چه سلطنت طلبان و چه اصلاح طلبان حکومتی مانع انقلاب مردم هستند و میخواهند نظم و سیستم موجود را با کمترین تغییر حفظ کنند. اصلاح طلبان حکومتی در تلاشند مردم را از انقلاب کردن علیه حکومت بترسانند و طیفهای دیگر راست از قبیل سلطنت طلبان تلاش میکنند تا فرصت طلبانه خود را همراه مردم نشان بدهند. اما هدف همه آنها ممانعت از گسترش اعتراضات توده ای به سطح یک انقلاب ریشه ای علیه کل نظام و منحرف کردن و به سازش کشیدن حرکت اعتراضی مردم است.

۵- پاسخ اوضاع کنونی نیروی است که قادر و مایل به تعمیق و رهبری انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم کوبیدن کل دستگاه حاکمیت یک اقلیت مفتخور بر جامعه و ریشه کن کردن همه مصائب و محرومیتهای مردم باشد. حزب کمونیست کارگری چنین نیروی است.

۶- حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه و مواضع و سیاستها و سابقه و کارنامه پر بار فعالیت و پراتیک انقلابی اش در جنبش کارگری و در عرصه های مختلف مبارزات اجتماعی، در ارتقای سطح توقعات و انتظارات توده مردم و شکل دادن به فضای رادیکال و چپ در جامعه نقش فعالی ایفا کرده و یک عامل موثر در زمینه سازی و شکل دهی به جنبش انقلابی جاری بوده است.

شرایط فوق بروشنی نشان میدهد که حزب میتواند و باید به رهبر انقلابی که در حال شکلگیری است تبدیل بشود. پیروزی مردم، سرنگونی جمهوری اسلامی و پایان بخشیدن به فقر و محرومیت، بیحقوقی و تبعیض، و فساد و دیکتاتوری، در گرو تحقق این امر خطیر است. ما همه فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی را به صفوف حزب فرا میخوانیم.

به اتفاق آرا تصویب شد.



انتخابات عراق



حاکم، به شرع، به قانون، به پارلمان، به دولت و کارنامه آن نه گفتند. این انتخابات بوضوح یک افتضاح سیاسی برای کل دستگاه حاکم و احزاب و نیروهای سیاسی بورژوازی عراق و کردستان است.

سیاست بایکوت و عدم شرکت در انتخابات بسادگی میسر نشده است، بلکه نتیجه کار گسترده هزاران اکتویست و ده ها گروه در سراسر عراق است که مردم را علیه آن بسیج کردند. در نتیجه این تلاش جامعه عراق پلاریزه شده است. صفتندی های اجتماعی و توازن قوای طبقاتی در عراق تغییر کرده است. مردم عراق و کردستان با نه به انتخابات در یک بعد وسیع اعلام کردند که این مدل حاکمیت را نمی خواهند و آنرا تحمل نمیکنند و حاضر نیستند یک بار دیگر سرنوشت خود را بدست آن بسپارند. این مساله گواه باز شدن یک افق مبارزاتی تازه و آسودگی برای رویارویی میلیونی مردم با کل نیروهای ارتجاع در عراق و کردستان است.

توازن قوای اجتماعی در عراق تغییر کرده است. نیروهای اجتماعی تازه ای به میدان آمده اند. افق روشنتری در مقابل جامعه گشوده شده است و امید دستیابی به آزادی، تمدن، سکولاریسم و سوسیالیسم بیش از پیش در افق نمایان تر میشود. آلترناتیو سوسیالیستی می تواند و باید نیرومند شود و در کشمکش های سیاسی و اجتماعی آینده نقش سرنوشت سازی داشته باشد. *

رامین حسین پناهی را می خواهند اعدام کنند، کمک کنیم نجاتش دهیم!

حسن صالحی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام



وکیل رامین حسین پناهی پنج شنبه ۲۷ اردیبهشت ۹۷ اعلام کرد که پرونده رامین حسین پناهی برای اجرای حکم به اجرای احکام دادسرای سنندج ارجاع شده است. چندی پیش هم تصمیم به اعدامش گرفته بودند ولی مرگ تحمیلی یکی دیگر از اعضای خانواده یعنی نیشتمان حسین پناهی و حمایت و پشتیبانی مردمی از این خانواده باعث شد که اعدام رامین را به تعویق بیندازند.

حالا رامین اسیر در چنگال دژخیمان و تروریستهای اسلامی هیچ پشت و پناه دیگری ندارد جز شما مردم آزادیخواه و شریف در ایران و جهان که به کمکش بشتابید. آیا ما می توانیم جلوی مرگ یک جوان بیست و چند ساله را بگیریم؟ جوانی که وقیحانه به او اتهام تروریست زده اند در حالیکه تروریستهای اصلی بر ایران حاکمند. جوانی که تنها آرزویش

این بوده و هست که مردم آزاد باشند و در فقر و گرسنگی به کام مرگ کشیده نشوند. جوانی که زندگی را دوست دارد و می خواهد برای همگان بهترش کند. یک زندانی سیاسی که زمانی خود صدای زندانیان سیاسی دیگر بود. جوانی که آزادی می خواهد و نمی خواهد کسی به خاطر تلاش و مبارزه اش برای یک جامعه انسانی به زندان بیفتد.

آیا اینها جرم است؟ معلوم است که نه. اینها نه فقط جرم نیست بلکه ارزشمند است. اینها همان چیزهایی است که مردم ایران همه می خواهند. خواست رامین و امیال انسانی او خواست و تمایل قلبی هم ماست. مبارزه رامین برای زنده ماندن به مبارزه همه برای یک زندگی بهتر کرده خورده است و بهمین خاطر او فرزند ما، برادر ما و همزمز و دوست همه ماست. برای نجاتش باید هر کاری که می توانیم

بکنیم. بخصوص مردم سنندج با تجمع و اعتراض در مقابل زندان می توانند نقش تعیین کننده ای ایفا کنند.

جمهوری اسلامی در زیر فشار اعتراض مردمی و بحرانهای سیاسی و اقتصادی عمیق و همه جانبه دارد نفس های آخر خودش را می کشد ولی دست از خونریزی و کشتار بر نمی دارد. باید به این حکومت جانی نشان داد که ما مردم اجازه کشتن بیشتر به این جانین را نخواهیم داد. جمهوری اسلامی باید این را بفهمد که انجام هر جنایتی موجب شعله ور شدن بیشتر خشم و اعتراض مردم می شود. این حکومت باید از عواقب جنایاتش بترسد و به عقب رانده شود. رامین باید زنده بماند و قاتلین مردم باید به سزای اعمالشان برسند.

۲۷ اردیبهشت ۹۷

**همه زندانیان سیاسی و
دستگیر شدگان
اعتراضات اخیر فورا
باید آزاد شوند.**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

**تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعا پخش کنید**

**Down with
the Islamic
regime of Iran!**

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party Of Iran

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



دور جدید مبارزات کارگران هیکو در اراک

۸۰۰ کارگر هیکو که همچنان با معضل دستمزدهای پرداخت نشده و عدم ایمنی شغلی روبرویند، دور جدیدی از مبارزه را آغاز کرده اند. اعتراضات کارگران هیکو به دلیل مبارزات قدرتمندی که این کارگران در طول سالهای اخیر داشته اند، همواره مرکز توجه مردم شهر اراک و جنبش اعتراضی کارگری است.

کارگران هیکو در روز ۲۶ اردیبهشت برای چهارمین روز متوالی ریل راه آهن شمال-جنوب را بستند و در این محل چادر زده و اعلام کردند که تا وقتی به خواستههایشان پاسخ داده نشود، این محل را ترک نخواهند کرد. نصب بنر ورود ممنوع برای کارفرمایی که ۶۰۰ کارگر را اخراج کرد و بنر چک نمادین در کنایه به واکناری کارخانه ۳۰۰ میلیاردی هیکو به مبلغ ده میلیون که گوشه دیگری از بساط دزدسالاری حاکم را به نمایش میگذارد و بستن راه آهن شمال-جنوب در اراک از جمله اقدامات جالب و تعرضی کارگران هیکو در این دور از اعتراضاتشان است. بدین گونه است که کارگران قدرتمند و با عمل مستقیم خود در برابر زورگویی های کارفرمایان و دولت ایستاده اند.

بنا بر خبرها نپرداختن دستمزدها و عدم ایمنی شغلی فشار سنگینی بر کرده کارگران هفت تپه گذاشته است و زیر این فشار در روز ۲۳ اردیبهشت یکی از کارگران این کارخانه اقدام به خودکشی کرد. اما خوشبختانه با کمک همکارانش از مرگ نجات یافت. این اتفاق در این روز آتش خشم کارگران را شعله ور تر کرده و فوراً به تجمع اعتراضی آنان تبدیل شد.

اعتراض کارگران هیکو به معوقات مزدی و خطر بیکار شدن از کار است. اعتراض آنان به چوب حراج زدن به این کارخانه و بیکارسازیهایی وسیعی که به راه افتاد و تهدید بیکارسازی بیشتر است. از جمله در این شرکت قبلاً

بیش از دو هزار کارگر به کار اشتغال داشتند و امروز تعداد آنها به حدود ۸۰۰ نفر رسیده است. بنا بر آخرین خبرها کارگران هیکو با صدور بیانیه ای اولتیماتوم داده اند که اگر تا روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت پاسخ نگیرند، در اشکال گسترده تری اعتراضشان را دنبال خواهند کرد.

شیوه های مبارزاتی کارگران هیکو، حضور خانواده ها در این مبارزات و دادن بعد اجتماعی تری به اعتراضاتشان و شعارهای تعرضی و رادیکال آنها از جمله نقطه قوتهای مبارزات این کارگران است. این کارگران با سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، بارها و بارها فریاد اعتراض خود را به کل جهنم سرمایه داری حاکم اعلام داشته و با مارش عظیم شان فضای شهر را به تحرك در آورده اند. و این سرودی است که امروز به فریاد اعتراض همه کارگران و کل جامعه تبدیل شده است. همچنین شعارهایی چون: هشم میگن آمریکا، دشمن ما همین جاست، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، شعارهای است که کارگران هیکو در اعتراضاتشان سر دادند و پاسخ کوبنده ای به تعرضات هر روزه حکومت تحت عنوان اقتصاد مقاومتی و جنگ با دشمن بزرگ آمریکا به کارگران و کل جامعه است.

تجمع اعتراضی نی برها در مقابل انبار شکر سفید

نیشکر هفت تپه یک مرکز پر جنب و جوش اعتراضی کارگری است و یک موضوع دائمی اعتراضات آنان مبارزه علیه به سرقت رفت دستمزدهایشان است. روز ۲۴ اردیبهشت کارگران نی بر در نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و نگرفتن پاداش خود و همچنین بستن درب انبار شکر سفید، مقابل انبار تجمع کردند. این کارگران از شهرها و همچنین روستاهای خرم آباد برای گذران زندگی به این منطقه آمده و به کار سختی نری اشتغال دارند و

اکنون علی رغم پایان فصل نی بری چندین ماه است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. جدا از نی برها دیگر کارگران نیشکر هفت تپه که تعداد آنها بیش از چهار هزار نفر میباشد دوماه است که پرداخت دستمزدهایشان به تعویق افتاده است. کارگران نیشکر هفت تپه در تدارک اعتراضات گسترده تر برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته شان هستند.

اعتراضات گسترده کارگران راه آهن

یک نقطه قدرت کارگران راه آهن، اعتراضات سراسری آنهاست. این کارگران بارها با فراخوانهای سراسری خود توانسته اند در سطح سراسری در شهرهای مختلف تجمعات اعتراضی برپا کنند. دستمزدهای معوقه و نوع قرار دادهای کاری از جمله موضوعات مهم اعتراضات ۷۰۰۰ کارگر شرکت تراورس در نواحی ریلی کشور است. در رابطه با این موضوعات در این هفته کارگران راه آهن اصفهان، مشهد، شهرهای لرستان، زاگرس، ریاط کریم، اسلامشهر و زنجان تجمع داشتند. کارگران راه آهن امروز با سازمانیابی در گروههای تلگرامی در میبای اجتماعی بیش از هر وقت بر سر خواستههایشان متحد عمل میکنند. این گروهها بستر مناسبی برای شکل گرفتن تشکل توده ای و سراسری این کارگران و اعلام موجودیت آنست. باید دست به کار شد.

پاسخ کارگران به سرکوب تجمع ۲۰ اردیبهشت معلمان، همبستگی کارگری است

روز ۲۰ اردیبهشت معلمان شاغل و بازنشسته در تهران و در بیش از بیست شهر جمع شدند و خواستههایشان را فریاد زدند. اعتراض علیه دستمزدهای زیر خط فقر و جلوگیری از کاهش حقوق

دستمزد ۵ میلیون، اعتراض به بی تأمینی جامعه و جلوگیری از خاست اساسی تحصیل رایگان و درمان رایگان و اعتراض علیه اختلاس ها و تبعیض و نابرابری از محورهای اساسی اعتراضات و خواستههای آنان بود. معلمان با شعارهایشان و با قطعنامه خود بطور واقعی اعتراضشان را به فقر، تبعیض، نابرابری و کل بربریت حاکم اعلام داشتند. اعتراض معلمان درست یکرور بعد از بلند شدن جنجال بر سر آمریکا و برجام، پاسخ درخوری به این هیاهو بود. پاسخ مردمی بود که معیشت، منزلت و داشتن یک زندگی انسانی را حق مسلم خود میدانند. در تقابل با این حرکت مهم سیاسی، جمهوری اسلامی بطرز وحشیانه ای تجمع معلمان در تهران را مورد حمله قرار داد و در جریان آن هشت نفر از معلمان دستگیر شدند و تعدادی هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. اما معلمان جانانه ایستادند و سرکوبگران را هت کردند و شعار دادند و به اعتراضاتشان ادامه دادند. بدنبال این حمله وحشیانه کارزاری برای آزادی معلمان بازداشتی و موجی از همبستگی با مبارزات و خواستههای معلمان به راه افتاد. در همان روز ۲۰ اردیبهشت به محض پخش خبر حمله به تجمع معلمان در تهران، معلمان در مریوان و چند شهر دیگر این حمله سبعانه را محکوم کردند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد را سر دادند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان که فراخوان این تجمع سراسری را داده بود، طی بیانیه ای حمله به تجمع معلمان در تهران را محکوم، خواستار آزادی دستگیر شدگان و عذر خواهی از معلمان شد. علی اکبر باغانی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران طی پیامی با گفتن اینکه حتی هیتلر هم چنین جنابیتی در مورد معلمان بکار نگرفت و اینکه دولت روحانی با این حمله مانند دولتهای قبل از خود ننگی بزرگ به جا گذاشت، حمله به معلمان را شدیداً محکوم کرد.

همچنین بیانیه های مختلفی از سوی تشکلهای مختلف کارگری چون انجمن صنفی برق و فلز

کرمانشاه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای نیشکر هفت تپه و سندیکای واحد، کمیته پیگیری، ابادری استاد دانشگاه تهران در حمایت از دانشجویان دریند، مطالبات معلمان صحبت کرد و کانون های صنفی معلمان در شهرهای مختلف در محکومیت حمله به تجمع معلمان انتشار یافت. در ادامه این کارزار و این موج همبستگی طوفان تویتری با هشتک از معلم بگو با ۲۷۱۴۸ توییت داغ ترین هشتک شد. و بالاخره اینکه در میان این همبستگی ها جمعی از اولیای دانش آموزان مریوان در بیست و چهارم اردیبهشت ماه بیانیه ای انتشار دادند که ابعاد اجتماعی مبارزات و خواستههای معلمان را بیش از پیش در مقابل همگان قرار داد. در این بیانیه آنها حمایت خود را از اعتراضات معلمان از جمله اعتراض آنها به کالایی سازی آموزش و وضع بد معیشتی شان و از خواستههای معلمان اعلام داشتند. این حمایت ها و بیانیه هایی از نوع بیانیه جمعی از والدین دانش آموزان در مریوان نشان از شکل گیری یک جنبش همبستگی کارگری است که نوین است و مهر فضای پر التهاب جامعه را بر خود دارد. زیر فشار چنین ابعادی از همبستگی است که روز ۲۳ اردیبهشت هفت نفر از معلمان بازداشتی به اسامی رسول بدقی، محمد تقی فلاحی، رحمان عابدینی، اسماعیل گرامی، حسین غلامی، عالیه اقدام دوست و جواد زوری آزاد شدند و محمد حبیبی از اعضای هیات مدیره کانون تهران همچنان در بازداشت بسر میبرد.

با همین قدرت میتوان محمد حبیبی و سه معلم زندانی دیگر اسماعیل عبیدی، مختار اسدی و محمود بهشتی که از قبل در بازداشت بسر میبردند را آزاد کرد. کارزار برای آزادی معلمان زندان و علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین سیاسی جاریست. وسیعاً به این کارزار پیوندیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای کارگران،

از صفحه ۶ کارگران در هفته ای که گذشت

معلمان و فعالین اجتماعی باید لغو شود.

آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه سنندج

اول ماه مه امسال همانطور که قبلا نیز در نوشته ای دیگر اشاره کردم یک نقطه عطف بود. نقطه درخشان این روز مراسمی بود که در تهران در مقابل مجلس برگزار شد و طنین صدای قرای ناهید خداجو از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد با خواندن قطعنامه اول ماه مه امسال، این روز را تاریخی کرد. در مراسم تهران ۶ نفر بازداشت و در روز بعد از آن آزاد شدند. عثمان اسماعیلی نیز در سقز بازداشت شده بود که در هفدهم اردیبهشت آزاد شد. در سنندج نیز سه نفر به اسامی آرمین شریفی، یدی صمدی و امیر شهابی دستگیر شدند که در روز ۲۵ اردیبهشت این هفته به قید وثیقه آزاد گردیدند. آزادی این عزیزان را به آنها، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگویم. زیر فشار اعتراض کارگران و کل جامعه است که رژیم اسلامی ناگزیر به آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه شد. آزادی آنها یک پیشروی مهم و گامی در جهت تحمیل روز جهانی کارگر به حکومت اسلامی است. زنده باد اول ماه مه.

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کارگر اخراج شود

یکصد و هفتمین اجلاس جهانی کار از ۲۸ می ۲۰۱۸ الی ۸ ژوئن در شهر ژنو سویس برگزار می گردد. در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8

کودک آزاری گسترده در جمهوری اسلامی

هوشیار سروش

معیشت و فلاکت کشنده است که ازدواج دختران خرد سال یا فروش آنها و یا قراردادن آنها در معرض تعرضات و آزارجنسی برای امرار معاش روزانه جز الزامات و اجبارات زندگی معیشتی پاره ای از خانواده ها تبدیل شده است.

آمار ملیونی کودکان بی سرپرست، تن فروش، کارتن خواب و کودکانی که از سن ۶-۸ سالگی در کارگاههای قالی بافی، آجرپزی و یا بر سر چهارراه ها برای سیرکردن شکم خود و خانواده شان بجای نشستن در کلاس درس مجبور به کار کردن میشوند، فقط صحنه های کوچک اما درعین حال دلخراشی از وضعیت کودکان را نشان میدهد که این همه از مصادیق بارز و آشکار آزار و تجاوز به حقوق حقه کودکان است.

اما جا دارد که در کنار این همه بی حرمتی ها و حق کشی های دستگاه حکومت علیه کودکان و خانواده هایشان، به این هم اشاره داشت که مردم وسیعا پی برده اند که باید از کودکان در برابر حکومت و قوانین حکومتی دفاع کنند. در اینجا و آنجا و از جانب انسانها و نهادهای خود جوش مردمی و هم چنین انجمن ها و تشکلهای انسان دوست و مدافع کودکان، نهادها و تشکل هایی درست شده که همانند چتری در حفاظت و حمایت از جان و سلامت کودکان به آنها پناه میدهند، از آنها دفاع میکنند و حتی خوراک، مسکن و امکان یک زندگی انسانی را برایشان فراهم میکنند. امروزه در ایران دفاع از کودکان میتوانست و باید امر هر انسانی باشد که دلش برای این موجودات نازنین و بی دفاع میتپد. اقدام بزرگ آن انسانهای شریفی که در فاجعه زلزله کرمانشاه امر خود را برای سلامت و حمایت از کودکان صرف کردند و یا اقدام اخیر مردم ماهشهر در دفاع از کودکان که در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و خواهان حمایت از کودکانی شدند که مورد اذیت و آزار قرار گرفته بودند، الگوهایی بدست میدهد که میتواند سرمشق بسیاری دیگر باشد. *

یکی از خبرهای این هفته، قیچی کردن موی ۹ دختر دانش آموز در شهرستان فسا در استان فارس بود. و این در حالی صورت گرفت که فقط چند روز از حادثه ای مشابه در استان خوزستان میگذشت. کودک آزاری يك امر نهادینه شده و مستمر در جمهوری اسلامی است. در واقع این کودک آزاری از کل سنت اسلامی نشأت گرفته و به اشکال مختلف یکی از بنیادهای شکل گرفته در صدر اسلام بوده است. ازدواج مردان مسن با دختران کم سن و سال و آزار و تمتع جنسی کنیزکان از جمله انواع عادی در آن دوره بوده است. زندگی محمد پیغمبر اسلام در این خصوص خود بهترین نمونه است. اما این عمل شنيع و دون شان انسان درحاکمیت ۴۰ ساله جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده و اشکال متنوعی بخود گرفته است. قیچی کردن موی دختران دانش آموز و اذیت و آزار آنها و همچنین تنبیه بدنی دانش آموزان در مدارس از نمونه های رایج و عادی بشمار میرود.

طبق گزارشی که اخیرا دکتر محمد فرجیها در همایش مشهد ارائه داده، آمار رسمی کودک آزاری در ۶ ماهه سال گذشته ۱۶ هزار مورد ثبت شده است که بقول شخص مذکور، این عدد فقط ناظر به کودک آزاری رایج و آشکار است و این همه اشکال دیگر کودک آزاری، آزار جنسی، بچه های طلاق و کودک همسر را شامل نمیشود و گرنه این آمار شامل چند صد هزار مورد خواهد بود.

این فقط جزء کوچکی از وضعیت اسفبار کودکان و موقعیت فرودست آنها در شرایط حاکمیت جمهوری اسلامی است. این قبیل آزار و اذیت های مختلف علیه کودکان یا مستقیما از جانب مسوولین و دست اندر کاران حکومتی اعمال میشود و یا غیر مستقیم تحت تاثیر قوانین و آموزه های حاکمیت عقب مانده و قرون وسطایی صورت میگيرد. این اوضاع جامعه و مردم حق طلب و آزادیخواه را به آنچنان وضعیتی از

مخدر و یا اعمال شکنجه و مجازاتهای سنگین و غیر انسانی راه حل مشکل اعتیاد در جامعه و یا مقابله با بازار پر رونق مواد مخدر نیست. راه حل این است که جمهوری اسلامی بعنوان بانی فقر و محرومیت مردم ایران با همه دستگاه سرکوب و مجازاتهای و حشیانه اش ور بیفتد و جامعه ای دیگر بر بنیادهای انسانی بنا گذاشته شود. اگر در جامعه مردم احساس خوشبختی و کامیابی کنند کسی هم به طرف مواد مخدر نخواهد رفت و بازار این مواد نیز کساد خواهد شد.

جدال مردم ایران با جمهوری اسلامی بر سر همین بدبختی هاست که دارد از سر و کول جامعه ما بالا می رود. اگر مردم درست و حسابی یقه جمهوری اسلامی را بچسبند و کمر این رژیم را به خاک بمالند یکی از مهمترین قدمها برای حل رواج اعتیاد در جامعه را برداشته اند. قدم بعدی البته این است که يك جامعه انسانی، بدور از تبعیض و ستم و فقر بسازیم تا زمینه های این مصیبت اجتماعی خشکانده شود. *

بچه ها تلاش میکنند که این دختران برای معالجه به کشورهای دیگر اعزام شوند اما مقامات حکومت اسلامی موافقت نکرده اند و این عدم موافقت خود را زیر لوای مخالفت تیم پزشکی مخفی کرده اند.

اکنون بعد از کارزاری گسترده، و توجه افکار عمومی به درد و رنج کودکان شین آباد، ظاهرا حکومت با اعزام آنها به آمریکا برای معالجه موافقت کرده است. این يك موفقیت برای خانواده های کودکان شین آباد است. باید امیدوار بود که این بچه ها به زندگی عادی بازگردند. این آرزوی میلیونها نفر مردم انسان دوست است که اخبار درد و رنج دختران شین آباد را دنبال میکنند. برای اینکه تراژدی هایی نظیر تراژدی مدرسه شین آباد تکرار نشود راهی نیست جز اینکه مردم خود را از شر حکومت چپاولگران اسلامی که بخش عظیمی از جامعه از جمله کودکان را به زندگی در زیر استانداردهای انسانی محکوم کرده اند، خلاص کنند. *

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

محکومین مواد مخدر و "عدل" اسلامی

حسن صالحی

چقدر دیگر عمر می کند تا بتواند چنین طرحهای ضد انسانی را به مورد اجرا بگذارد. ولی همه می دانند مشکل مواد مخدر خود جمهوری اسلامی است. اگر جامعه اینقدر از سوی جمهوری اسلامی به نکبت کشیده نشده بود، اگر سانسور و سرکوب حکومت اسلامی نبود، اگر فقر و نداری در جامعه بیداد نمی کرد، اگر به جای غم و عزا مردم خوشی و امید داشتند، اگر اینهمه تنگدستی نبود تا عده ای مجبور بشوند برای تامین معاش به راههای خلاف برونند و اگر خود حکومت در قاچاق و توزیع مواد مخدر پول پارو نمی کرد، آنوقت سخت نبود که جلو رشد اعتیاد در جامعه و امکان فعالیت سوداگران مواد مخدر را گرفت. اعدام محکومین به مواد

در آبان ماه سال گذشته بود که قانون تخفیف مجازات اعدام برای بخشی از محکومین مواد مخدر به اجرا گذاشته شد. صرفنظر از چگونگی اجرای این قانون تاکنون، تازه معلوم می شود که جمهوری اسلامی چه برنامه ای برای این بخش از محکومین به مواد مخدر تدارک دیده است. به گفته یکی از معاونین قوه قضاییه جمهوری اسلامی بنام محمدباقر الفت قرار است که "محکومان مواد مخدر به اردوگاه های سخت و پشیمان کننده اعزام می شوند." به گفته او "همه محکومان مواد مخدر باید با گرفتن احکام سخت و بازدارنده، بشیمانی را به خود ببینند و این موارد در جامعه نهادینه شود." این یعنی زجر کش کردن محکومین به جای اعدام آنها. نمی دانم که جمهوری اسلامی

دختران شین آباد به آمریکا اعزام میشوند

کاظم نیکخواه

تکان دهنده است که در عین حال سمبل فجایع بسیاری است که هرروز در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی صورت میگردد و زندگی کودکان را نابود میکند. در آذرماه سال ۱۳۹۱ يك بخاری نفتی در مدرسه ای در منطقه شین آباد در پیرانشهر به دلیل سیستم ابتدایی آن، آتش میگيرد و ۲۹ دختر بچه خردسال دچار سوختگی شدند. دو دختر در اثر این آتش سوزی جان باختند و ۱۲ تن از کودکان دختر دچار سوختگی هایی بر صورت و اندامشان شدند که همچنان اثرات پیرانشهر به دلیل سیستم ابتدایی آن زجر میکشند. اکنون قریب شش سال از آن فاجعه گذشته است. شکایت خانواده های این کودکان به نتیجه ای نرسیده است و این پرونده همچنان باز است. این کودکان سالهاست بدون امکانات درمانی جدی از این ضایعه درد میکشند. چند سال است که خانواده های این

این هفته يك خبر خوشحال کننده این بود که گویا قرار است دختران مدرسه شین آباد برای معالجه به آمریکا اعزام شوند. بنا به این گزارش وکیل دانش آموزان شین آبادی از موافقت هیات پزشکی با اعزام این دختران به آمریکا برای انجام درمان تکمیلی خبر داده است. حسین احمدی نیاز، وکیل این دانش آموزان گفته که قرار است آن ها بعد از ۲۲ خرداد و پایان امتحانات برای درمان به آمریکا فرستاده شوند. او گفته است: "پزشکان ایرانی مقیم آمریکا برای درمان آن ها اعلام آمادگی کردند و ابراز امیدوار کردند با توجه به امکاناتی که در آن کشور وجود دارد این دختران درمان شوند." دختران شین آبادی یکی از نمادهای تکان دهنده جنایات جمهوری اسلامی هستند. آتش سوزی مدرسه شین آباد، يك تراژدی

قاچاق کله پاچه به ایران!

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی را میتوان حکومت قاچاقچی ها نامید. بخش مهمی از حیات اقتصادی این حکومت روی قاچاق میچرخد. در راس این سیستم قاچاق، بقول احمدی نژاد "برادران قاچاقچی"، یعنی سپاه پاسداران قرار دارند که به صورت مافیای قاچاق همه چیز را وارد میکنند و پولهای کلان به جیب میزنند. اما در میان این "همه چیز" يك چیز را که فکر نکرده بودیم، قاچاق کله پاچه بود. روزنامه آرمان نوشته است که قیمت کله پاچه صد در صد افزایش یافته است و افزایش تقاضا برای مصرف آن سبب شده که عده ای برای بدست آوردن سود بیشتر اقدام به واردات قاچاق کله پاچه کنند. در همین رابطه ۲۷ آذر سال گذشته، رئیس اتحادیه طباطبانی با بیان اینکه اخیراً کله پاچه به صورت غیرقانونی به کشور وارد شده است، اظهار کرد: واردات این محصول از طریق یخچالهای حمل گوشت وارداتی انجام میشود. حسین روسی به فارس گفت: کله پاچه به همراه محموله های گوشت وارداتی از ارمنستان و قرقیزستان به صورت قاچاق وارد کشور میشود. او ادامه

داده است که به دلیل قیمت بالای کله پاچه و همچنین تقاضا برای مصرف آن این فرصت برای عده ای پیش آمده است تا اقدام به واردات قاچاق کله پاچه کنند" (!!)

نفس این اقتصاد قاچاق در عین حال يك چیز دیگر را هم بیان میکند و آن بی ثبات بودن کل حیات اقتصادی جمهوری اسلامی است. اقتصاد قاچاق برای قاچاقچیان اصلی، منبع درآمدهای میلیاردی و عظیم است، اما برای مردم عادی منشاء نا امنی و معضل و فقر غیر قابل تحمل تر است. با هر افت و خیز اقتصاد، زندگی مردم دچار نا امنی و تکانه های شدید میشود و تهیه همان معیشت فقیرانه نیز مشکل تر میشود. یکی از دلایل خیزش دی ماه همین بی ثباتی و جهش قیمتها و گرانی ناگهانی و افزایش فقر در جامعه بود. سرمایه داری اساسا همیشه افت و خیز و بحران را با خود دارد. اما سرمایه داری قاچاق صد بار بیشتر با جزر و مد های غیر قابل پیش بینی همراه است. کل این بساط را باید جمع کرد و جامعه را بر اساس يك سیستم انسانی سازمان داد. *

دعوت به میتینگ در مقابل ساختمان دوویچه وله در شهر بن

دوویچه وله قرار است به صادق زیباکلام جایزه آزادی بیان بدهد، این تصمیم با اعتراض گسترده ای ایرانیان معترض و سرنگونی طلب روبرو شده است.

کمپین اعلام شده علیه این تصمیم دوویچه وله در شبکه های اجتماعی و در بین مردم با استقبال روبرو شده و نامه اعتراضی ما با بیش از ۳۰۰ امضا به زبان آلمانی و فارسی منتشر شده و در برخی رسانه های آلمانیو فارسی زبان نیز منعکس شده است.

مکان و زمان:

روز جمعه ۱۸ ماه مه ساعت سه بعد از ظهر
Kurt-Schumacher-Straße 3, 53113
Bonn

کمپین اعتراض به جایزه آزادی بیان به زیباکلام
۱۶ ماه مه ۲۰۱۸

روز جمعه در مقابل ساختمان دوویچه وله در بن گرد هم میاییم و خواهان جلب توجه افکار عمومی آلمان و همچنین مسئولین دوویچه وله به این امر مهم هستیم که طرفداران و سازندگان حکومت اسلامی، که امروز هم دست بر قضا در دفاع از این حکومت ضد زن و ضد انسانی و سرکوب کننده آزادی بیان، حاضرند

روز جمعه در مقابل ساختمان دوویچه وله در بن گرد هم میاییم و خواهان جلب توجه افکار عمومی آلمان و همچنین مسئولین دوویچه وله به این امر مهم هستیم که طرفداران و سازندگان حکومت اسلامی، که امروز هم دست بر قضا در دفاع از این حکومت ضد زن و ضد انسانی و سرکوب کننده آزادی بیان، حاضرند

**آزادی بی قید و شرط عقیده،
بیان، اجتماعات، مطبوعات،
تظاهرات، اعتصاب، تشکل و
تحزب در ایران فوراً باید
اعلام و برقرار شود.**



سایت حزب:

www.wpiran.org

از صفحه ۱۰ کارگران و ارزش اضافه

میشود که کسی فکر کند که این ماشین است که سود یا ارزش اضافه تولید میکند. اما خیلی زود دیگر سرمایه داران نیز به تکنولوژی جدید روی می آورند و در نتیجه توازن برقرار میشود.

نکته ای که در آخر لازم است خیلی خلاصه اشاره کنم اینست که مارکس در کاپیتال یک بحث عمیق و جالب بنام "فتیشیسم کالایی" دارد که شاید خواننده آید. در آنجا از بیگانه شدن انسان از کارش در سیستم سرمایه داری صحبت میکند که در نتیجه آن کالاها بر

**یک زندگی مرده و منطبق بر آخرین
استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین
جوامع باید برای همه شهروندان در ایران
تضمین شود. حداقل دستمزد باید بر مبنای این
استانداردها افزایش پیدا کند و بیمه بیکاری
مکفی برای همه بیکاران و افراد آماده به
کار تامین شود. طب و بهداشت و تحصیل باید
فورا برای همگان رایگان شود.**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

کارگران و ارزش اضافه

پاسخ به یک سوال

کاظم نیکخواه



دوست عزیز بنام "عمو کریم" از من چند سوال کرده اند که سعی میکنم بتدریج به آنها جواب دهم. اولین سوالشان در مورد تولید ارزش اضافه است. نوشته اند: کاظم عزیز یک سوال: مارکس در کتاب سرمایه بیان میکند که تنها کالایی که بیشتر از ارزش خودش تولید میکند نیروی کار می باشد و میگوید تمامی سرمایه ثابت در شکل وسایل تولید و ابزار کار و مواد اولیه و مصرفی و کلا سرمایه ثابت، ارزشش عینا همانقدر که هست بدون کم و زیاد به کالای تولیدی جدید منتقل میشود و فقط سرمایه متغیر که خرید نیروی کار میباشد ارزش افزوده میکند. میدانیم که نیروی کار انرژی ماهیچه های بدن کارگر است در واقع انرژی ای که مصرف میشه ارزش افزوده تولید میکند و این مهم، یعنی مصرف انرژی و تولید ارزش افزوده شامل سایر انرژی های موجود در طبیعت هم میشه، مثل برق و مشتقات نفت و باد و غیره. این انرژی ها هم تولید ارزش افزوده میکنند و ده ها و هزاران برابر انرژی ماهیچه های یک کارگر. پس فقط نیروی کار نیست که بیشتر از ارزش خودش تولید میکند. این حرف مارکس آیا تناقض ندارد؟

کاظم نیکخواه: دوست عزیز حرف مارکس تناقض ندارد. مشکل اینست که شما اول فرض گرفته اید که کارخانه و نیروی برق و امثال اینها بخودی خود ارزش اضافه تولید میکنند و بعد می پرسید چرا مارکس گفته است این فقط نیروی کار است که ارزش اضافه تولید میکند. بگذارید از پاسخ به این سوال شروع کنیم: ارزش اضافه چیست؟ بنا به تعریف ارزش اضافه ارزشی است که اضافه بر ارزش دستمزد کارگر تولید میشود. برای توضیح مساله باید کمی عقب تر برویم و ارزش را توضیح بدهیم. ارزش چیست؟ بطور کلی دو نوع ارزش وجود دارد. یکی

ارزش مصرف است و یکی ارزش. این دو کاملا با هم متفاوتند. ارزش یک متر پارچه یا یک اتومبیل با ارزش مصرف آن ربط چندانی ندارد. ممکن است ارزش یک متر پارچه به اندازه یک میله آهن باشد. یا به اندازه یک کیلو گندم. وقتی شما دو چیز متفاوت مثل گندم و آهن و اتومبیل را میتوانید در یک معادله قرار دهید. یعنی بگویید که ارزش فلان مقدار گندم با فلان مقدار آهن و یا یک اتومبیل برابر است، معنی اینست که در همه این محصولات متفاوت یک چیز مشابه و هم جنس وجود دارد. این چیز مشترک چیست؟ این آن چیزی است که مارکس به آن ارزش میگوید. اما این نامگذاری هنوز چیزی را حل نمیکند. سوال اینست که ارزش چیست که در تمام کالاها مشترک است؟ باید ببینیم چه چیز در گندم و پارچه و میله آهن مشترک است؟ هرکس که به این سوال فکر کند فوراً متوجه میشود که آنچه که مشترک است لزوم کار

یعنی فعالیت هدفمند و فیزیکی انسانها برای تولید همه آنهاست. یعنی در همه آنها مقداری کار انسان بکار رفته است. این آن چیزی است که در همه کالاهای متفاوت مشترک است. اما ارزش کار چگونه سنجیده میشود؟ بوسیله ساعت کار. به کارگر بر اساس اینکه چند ساعت کار کرده است دستمزدی پرداخت میشود و این دستمزد در واقع ارزش کار او در سیستم سرمایه داری است. سوال اینست که آیا کارگر وقتی که کار میکند به اندازه همان مقدار که دستمزد گرفته کار میکند؟ روشن است که جواب منفی است. اگر کارگر به اندازه ای ارزشی که دستمزد گرفته کار میکرد هیچ سرمایه داری انگیزه ای برای بکار گرفتن او نداشت. مساله اینست که کارگر برای زمان معینی اجیر میشود و دستمزد میگیرد. اما طی این ساعات کار بسیار بیشتر از پولی که گرفته ارزش تولید میکند. مساله بسادگی

اینست که از هشت ساعت کار در روز که بفرض کارگر کار میکند، فقط دو ساعت یا کمتر و یا بیشتر صرف تولید ارزشی معادل دستمزدش میشود. یعنی کارگر دو ساعت کار میکند و ارزشی معادل دستمزدش را تولید میکند. بقیه ساعات هم ارزش تولید میکند اما به جیب خودش نمیرود. به جیب سرمایه دار میرود. به این میگویند ارزش اضافه. کل سیستم سرمایه داری بر اساس همین تصاحب ارزش اضافه توسط سرمایه دار بنا شده است.

حال میرسیم به سوال شما. شما میگویید خب، انرژی برق و کارخانه و ماشین آلات هم ارزش اضافه تولید میکنند. بحث مارکس اینست که ارزش این نوع سرمایه ها عینا به ارزش کالا منتقل میشود. این یعنی چه؟

ببینید. اگر انرژی طبیعی بدون کار قابل دسترس برای بشر باشد، دیگر کالا نیست و ارزش تولید نمیکند. هوا یک عنصر مهم در بازسازی و تداوم زندگی بشر است. اما کسی به یک سرمایه دار بخاطر استفاده از هوا پول نمیدهد. بنابراین هوا با اینکه ارزش مصرفش بسیار حیاتی است بخودی خود نه ارزش است نه تولید ارزش اضافه میکند. اما اگر شما مجبور باشید آب یا هوا را به صورت معینی تغییر دهید که در تولید کالای معینی مورد استفاده پیدا کنند یعنی کاری بر روی آنها انجام دهید، در آن صورت ارزشی ایجاد کرده اید و این ارزش به کالا منتقل میشود. مارکس تاکید میکند که همانقدر که ارزش در ماشین آلات و دستگاهها قبلاً ذخیره شده است به ارزش کالا منتقل میشود. نه بیشتر. این دستگاهها بر خلاف آنچه شما تصویر کرده اید ارزش اضافه تولید نمیکند. یعنی باعث

نمیشوند که ارزشی بیشتر از ارزش خودشان به کالاها منتقل شود. بلکه باعث میشوند که قدرت تولید کارگر بیشتر شود و در نتیجه کارگر ارزش اضافه بیشتری تولید کند. بگذارید مثال بزنم. شما یک ماشین پارچه بافی به قیمت ۱۰ هزار دلار میخرید. چهار کارگر را استخدام میکنید که این دستگاه را راه بیندازند. بعد از یک ماه ۱۰۰ هزار متر پارچه تولید میکنید. ارزش این پارچه چگونه تعیین میشود. بعبارت دیگر بر چه اساسی این پارچه ها با گندم و طلا و اتومبیل مبادله میشوند؟ بازهم بر اساس کاری که در تولید آنها بکار رفته است. قبلاً یک روز کار برای یک متر پارچه مصرف میشد اکنون با استفاده از ماشین تنها یک ساعت کار استفاده میشود. اما باید توجه کرد که یک مقداری کار هم در این پارچه وجود دارد که قبلاً در ماشین آلات ذخیره شده بود. اگر برای صد هزار متر پارچه یک دستگاه ۱۰ هزار دلاری فرسوده شود، معنی اینست که برای هر متر پارچه ۱۰ پنس ارزش مستهلک شده است. که در موقع تعیین ارزش فقط این مقدار به حساب می آید. سرمایه دار بطور متوسط ارزشی بیشتر از این برای استهلاک ماشین آلات بدست نمی آورد. یعنی تعیین ارزش یک کالا بر این اساس نیست که بگویند سه ساعت کارگر روی یک کالا کار کرده و یک ساعت هم ماشین. بلکه وجود ماشین آلات مدرن در جامعه باعث میشود که قدرت تولید کارگر بطور کلی بالا رود و بجای یک ساعت کار اجتماعی برای تولید یک کالا بفرض

یک دقیقه کار لازم میشود. یعنی شصت برابر قدرت تولید کارگر بیشتر میشود و با توجه به اینکه دستمزد کارگر معمولاً با افزایش قدرت تولید اضافه نمیشود، تولید ارزش اضافه توسط کارگر با واسطه ماشین بسیار بسیار بیشتر میشود. اما بازهم این کار است که این ارزش اضافه را با استفاده از ماشین تولید میکند. ماشین بدون کار کارگر هیچ توان تولید ندارد. بالاخره کسی باید آنرا بکار اندازد. برنامه نویسی کند. ابزار گذاری کند و نگهداری و روغ کاری و تمیز کاری کند و امثال اینها. یک نکته مهم دیگر هم که باید در رابطه با این نکته توجه کرد اینست که خود ماشین محصول کار است. بقول مارکس ماشین تجسم کار مرده است. (این را در مقایسه با کار زنده و جاری بکار میبرد). بنابراین کارگر قبلاً ماشین را تولید کرده و آن محصول کارش باعث میشود که بیشتر از قبل استثمار شود. اما این استثمار بیشتر کارگر را نباید به حساب استثمار ماشین گذاشت. ماشین ارزشی بیشتر از ارزش خودش تولید نمیکند. اما نیروی کار ارزشی بیشتر تولید میکند که همان ارزش افزوده یا ارزش اضافه است. یک نکته ظریف که اینجا باید توجه کرد اینست که عملاً اولین سرمایه دارانی که ماشینهای جدید تر را بکار میگیرند، به دلیل اینکه هنوز این تکنولوژی در سطح وسیعی استفاده نشده، از سودهای بسیار بیشتری برخوردار میشوند و این هم یک عامل است که باعث

صفحه ۹

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود